

از: مهدی ظارمی

# اعلام جرم

«تنها روزنه امید»

«يك پرده نقاشی»

«يك گوشه تاریخ»

«محمد بن مسلم زهری کبیت»

«اینک ترجمه اصل نامه»

«تنها روزنه امید»

لابد اینرا امیدانید که بیگانگان قسمتهای زیادی از حقایق آئین اصیل اسلام را بنفع خویش رنگ آمیزی کرده اند، و نیز بدبختانه بسیاری از فرزندان معلومات دینی و اعتقادات مذهبی جامعه ما از فرآورده های منابع و مکتب های ضد اسلامی میباشد .

در چنین موقعیت تنها عاملی که مارا بپاره کردن این پرده های حقیقت پوش کمک کرده و اجازه میدهد که چهره های زیر پرده و گرد گرفته اسلام را علیرغم خواسته های سودجویان و دشمنان داخلی و خارجی بجهانیان معرفی کنیم ، همان وجود منابع و اسناد اصیل و دست نخورده اسلام است که اگر استعمارگران میتوانند آنها را هم از دسترس مامحوو نابود میکردند .

\* \* \*

بهر حال بیگانگان برای بی خبر نگاه داشتن توده های اسلامی و بهره گرفتن از آنان ، دورنمای چهره های درخشان قهرمانان اسلامی را بمیل و دلخواه خویش نقاشی کرده و در دسترس ملت های اسلامی گذاردند .  
زیرا آنان میدانند که جمعیت های اسلامی در برابر قهرمانان خویش تعظیم

کرده و از آنان الهام میگیرند ، و اگر این چهره های الهام بخش در اسالت و واقعیت خود جلوه نمایند ، روح پیکار و مبارزه علیه استعمارگران و عوامل داخلی آنان در ملت زنده گشته و حیات استعمارگرانه آنان بخطر میافتد بهمین جهت کوشیده و میکوشند که سیمای پرفروغ و الهام بخش قهرمانان ماراطوری نشان دهند که جز خمودی و افسردگی و زیر بار ستم رفتن و تن بقضا دادن چیز دیگری را الهام نبخشند .

\* \* \*

### «يك پرده نقاشی»

قرن هاست که در مدارس و دبستانهای ممالک اسلامی هنگامیکه میخواهند پیشوایان مذهبی اسلام را بکودکان معرفی کنند . امام چهارم آنان را «امام بیمار» نام میگذارند .

آیا پیشوای چهارم شیعیان حضرت علی بن الحسین جز بیماری نشان دیگری ندارد؟ آیا این صفت و نشانی را بیگانگان و ایادی خائن آنان در دهان توده های بی رشد و بی خبر اسلامی نگذارده اند؟ مسلماً چرا !

آری با معرفی کردن این امام ببیماری و بستر گیری ، جنبه های مثبت فکری و الهام بخش آنحضرت را در نظر پیروانش می پوشانند .

بیگانگان پیشوای چهارم ما را يك عنصر گوشه گیر و آرام و سازشگر و ساکت در برابر هر نوع ناهنجاری و ستم ، و بی خبر از اجتماع معرفی کرده اند ، و بدبختانه گروهی از مدعیان اسلام هم در اثر بی رشدی و بی خبری و یا خیانت این معرفی را پذیرفته و افرادی عرضه ، بیگسار ، و رذخه ان ، خراباتی ، و بی خبر از اجتماع و محیط و تنبل را با آنحضرت تشبیه میکنند . و با این عمل بزرگترین لطمه و اهانت را بساحت مقدس پیشوای پیکارجوی اسلام حضرت علی بن الحسین وارد می آورند .

«به هر داری از يك حمایت»

ما باین دسته و آن دسته کاری نداریم و فقط ثابت خواهیم کرد که آنحضرت نه تنها سازشگر و آرام نبوده بلکه اعتراضات شدید و تند آنحضرت بکج رویهای زمامداران خونخوار و ستمگر وقت ، گاهی او را تا پرتگاه شهادت و مرگ هم می برده است .

شاید اینگوشه تاریخ و گفتار صریح و قاطع آنحضرت را هنوز نشنیده باشید .  
در مجلس ابن زیاد خونخوار کوفه، گفتگویی بین آنحضرت و ابن زیاد در گرفت  
که منجر بغضب و خشم ابن زیاد و تهدید او آنحضرت را بمرک گردید .  
امام سجاد بدون اینکه از این خشم و تهدید ابن زیاد در دل هر آسی راه دهد  
بایبانی صریح و استوار خطاب با ابن زیاد کرده و فرمود:

**اباقتل تهددنی یا ابن زیاد؟! اما علمت ان القتل لنا عادة، و  
گرامتنا من الله الشهادة؟!**

آیا ما را بکشته شدن و مرگ می ترسانی؟ ! مگر نمیدانی که مرگ و کشته  
شدن عادت دیرینه و همیشگی ما است؟! آیا نمیدانی که پروردگار خلعت و جامه  
زیبای شهادت را بقامت ما بریده و دوخته است؟! (۱)

این گفته نشان میدهد که آنحضرت در راه حقگوئی و صراحت حتی بمرک  
هم لبخند زده و عادت دیرینه و همیشگی خود را مرک شرافتمندانه در مسیر حقگوئی  
دانسته است . آیا این سبک گفتار با چهره ای که از نام امام سجاد در نظر دارید تطبیق  
میکند؟! .

در اینجا برای اینکه درست دانسته شود که امام علی بن الحسین (ع) در  
تاریکترین دوره های تاریخ و ترسناکترین دهلیز زمان نیز در قلب اجتماع بوده  
و آنی آرام ننشسته و از صراحت و حقگوئی خود دست برداشته و بالاخره رسالت  
تاریخی خود را انجام داده است، نامه ای را که آنحضرت بقاضی و دانشمند مزدور  
دربارهای بنی امیه (محمد بن مسلم زهری) بعنوان اعلام جرم و نصیحت نوشته نقل  
کرده و نوشته خود را خاتمه میدهیم .

### محمد بن مسلم زهری کیست ؟

قبلاً بمنظور آشناسدن بارزش و اهمیت این نامه، ناگزیریم که خلاصه ای  
از بیوگرافی زندگی و نقش اجتماعی این قاضی و دانشمند درباری را نقل کرده  
سپس بترجمه اصل نامه پردازیم .

\* \* \*

گروهی از مورخین و ترجمه نویسان مانند ابن ابی الحدید او را از منحرفین

از علی بن ابیطالب و از دشمنان آنحضرت شمرده اند (۱) ،  
مورخین گویند : که او در دربارهای بنی امیه قرب و مقامی برای خود  
کسب کرده و سالیان دراز بعنوان مفتی دستگاههای حکومتی وقت برای بنی امیه  
مزدوری میکرد .

گروهی دیگر گویند : که این شخص در اوائل از دشمنان خاندان رسالت  
بود ولی در اواخر عمر تغییر عقیده داده و در زمره اصحاب و دوستان حضرت علی بن  
الحسین درآمد (۲) . **کتابخانه مدرسه فیضیه قم**

بهر حال این نامه را امام سجاد در وقتی با نوشته است که او هنوز در دربار -  
های بنی امیه میزیسته است . و همه میدانیم که نوشتن چنین نامه ای که سر پای آن  
بد گوئی از زمامداران خونخوار بنی امیه است شخصی که در دربارهای بنی امیه  
زندگی میکند ، احتمال هر گونه خطری را برای شخص نویسنده پیش می آورد .  
ولی امام سجاد تنها از روی تشخیص دینی و حسن انجام وظیفه خود را آماده هر گونه  
مخاطره ای نموده و باین کار اقدام کرده است .

فصلنامه علمی و فرهنگی

اینک ترجمه اصل نامه :

پروردگارا و ترا از فتنه ها و آشوبها نگهداری کرده و ترا از کانون غضبش  
مصون دارد . ای زهری راستی تو در حالی هستی که شاید سیستة است هر که ترا آن  
حال می شناسد دانش بحالت بسوزد .

زیرا پروردگارا با تندرستی و طول عمری که بتو داده و ترا بکتاب  
آسمانی خود آشنا کرده و دین خود را بتو فهمانیده و ترا براه و روش پیامبرش  
دانا کرده نعمتهای بزرگ و سنگینی را در اختیار نهاده است .

بر تو باد در هر نعمتی که بدست آوردی و در هر حاجتی که بر تو تمام  
شده و وظیفه سپاس گزاری خویش را انجام دهی . زیرا پروردگارد هر يك از  
بخششهای خود حس حقشناسی ترا می آزماید و نیکی و بخشش خود را بر تو آشکار  
مینماید و میفرماید :

(۱) تنقیح المقال ج ۳ ص ۱۸۷

(۲) سفینه البحار ج ۱ ص ۵۷۳

داگر سپاس گزاری کنید افزونتان دهم ولی اگر ناسپاسی نمائید عقوبت و عذاب من بسیار سخت و دشوار است» (۱).

ای زهری ! درست نگاه کن ! فردا که در پیشگاه عدل پروردگار تو را نگهدارند چگونه خواهی بود پروردگار از یکایک نعمتهائی که در اختیار گذارده ، از تو بازخواست کرده و خواهد پرسید که نعمتهای مرا چگونه مراعات کردی؟ هیچ گمان مکن که خداهم عذرها و پوزشهای پوچ و بیجارا بپذیرد و از کوتاهی تو راضی شود . . . پس بدین روش . . .

هر گز ! هر گز ! چنین نمیشود : هیچ میدانی که خداوند از دانشمندان در کتاب آسمانی خود قرآن پیمان گرفته است که : **«حق یق و دانسته های خود را پنهان نکرده ب مردم بگویند»** (۲)

ولی بدان که تو کوچکترین چیزی را که برخلاف پیمان پروردگار پنهان کردی و سبک ترین جرمی را که بهمه گرفتی اینست که با ستمگران سازش کردی و با آنان تقرب جستی و خواسته های آنان را اجابت نمودی تو با اینکار راه ستمگری و گمراهی را بر آنان گشوده و هموار کردی . **کتابخانه مدرسه نبی کریم**

من از حال او که فردا همراه خیانتکاران بگناهات ارسالت کسی بیم دادم .

و از بازخواست پادشاهائی که بیاس همراهی با ستمگران گرفتی می ترسم .

ای زهری ! راستی تو اموالی را گرفتی که حق تو نبود و بکسی تقرب جستی که هیچ حقی را بصاحبش رد نمیکنند و تو بخاطر حفظ دوستی و تقرب خود او را از هیچ باطلی باز نداشتی .

ای زهری ! هیچ میدانی ترا برای چه خریده ! و پیش خود برده اند ؟ آری ترا تنها بدین منظور میخوانند که محور آسیای اعمال خویش کرده و

(۱) لئن شکرتم لازیدنکم ولئن کفرتم ان عذابی لشدید (سوره ابراهیم

آیه ۷)

(۲) واذ خذالله میثاق الذین اوتوا الكتاب لتبینهن للناس ولا تکتمونه

(سوره آل عمران آیه ۱۸۲)

ستمگرهای خود را بر گرد تو بچرخانند ترا چون پلی دره سیر خود قرار داده و از روی آن بطرف اغراض و هدفهای شیطانی خود عبور میکنند .

ترا هم چون زردبان ترقی خویش برد بوارهای اجتماع نصب کرده و از آن بالا میروند .

ترا وسیله راه پیمائی در سنگلاخهای ستمگری و گمراهی خود گرفته اند .

بوسیله تو دانشمندان را بتردید و بدگمانی دچار میکنند .

بادست تو دلهای اکثریت نادان و جاهل را بسوی خویش جلب می کنند . ای زهری ! خوب توجه داشته باش ! کاری که تو برای آنان کردی و تبه کاریهای آنان را خوب جلوه دادی و مردم را بسوی آنان کشانیدی ؛ هرگز از دست محبوب ترین و مقرب ترین وزیران و نیر و مندترین یاوران آنان ساخته نیست

و ای بحال توجه معامله زیان آوری نمودی و در برابر چمزی که از تو خر بردند چقدر کم پاداش گرفتی !

آنچه را از تو خراب کردند در برابرش چقدر کم آباد نمودند .

حساب خودت را رسیدگی کن زیرا جز خودت کسی دیگر بکارهای تو رسیدگی نخواهد کرد .

کردار خود را همچون حسابگری مسئول و وظیفه شناس یکایک محاسبه نما .

حس حق شناسی و سپاسگزاری خود را نسبت بکسی که تو را در خریدی و بزرگی نیکی و بخشش نموده بیازمای ای زهری ! چقدر می ترسم که تو هم از آن گروه باشی که خدا فرمود :

«اَیْسَ اَنَّا جَانِشِیَانِی بَجَامَانْدِنْدَکَ کِتَابِ اَسْمَانِی رَا فَرَا-  
گرفته و با خود داشته ولی (بجای عمل کردن بعلم خود) بدنبال جمع-  
آوری ثروت و مال رفتند و (دل خود را) تنها باین خوش گردند که (گفتند: بروردگار ما را خواهد بخشید)» (۱)

(۱) فخلف من بعدهم خلف ورثوا الكتاب یاخذون عرض هذا الادی و

یقولون سینفر لنا - سوره اعراف آیه (۱۶۸)

... بهره‌یز که دانسته در خطر نیفتی. بشتاب که فرصت ازدست ندهی.  
توهیح میدانی با کسی روبروهستی که نادانی در ساحت او راه ندارد و  
کسی حساب تورارسیدگی میکند که هرگز غفلت نمیورزد.  
توشهات راتهبه کن که راهی درازدرپیش‌داری و خویشتن رامعالجه کن که  
سخت بیمارشده‌ای.

**ای زهری‌اهر گز گمان ممر که من درصدد توبیخ و ملامت و  
عیبجوئی توهستم نه هرگز من جز خیر تورانخواستہ و از خدا میخواهم که  
دل مرده و مغز فرسوده تر ازنده کند. ده و دین ازدست رفته و فرخته‌ات  
را باز گرداند زیر انگشتار پروردگار بیدام آمد که فرمود: «و پندده  
زیراپند دادن مؤمنان راسودمی بخشد» (۱)**

تو از یاد گذشتگان و رفتگان غفلت ورزیدی، آشنایان و همکارانت همگی  
رفتند و تو همچون شاخ شکسته‌ای بچامانندی. نگاه کن آیا آنان هم بگرفتاری  
هائیکه تودر آن هستی دچار شدند؟ و در برتگاهی که توافقادی افتادند؟ یا آنکه  
تو آنان را بگردارهای نیکشان یاد میکنی؟...  
تو امر و زدر پیشگاه ملت برای خود موقیمت و مقامی کسب کرده‌ای و آنان  
ترا پذیرفته‌اند.

زیرا آنان بدنبال توافقاده و گفته‌های ترا پیروی میکنند، او امرت را  
اطاعت می‌نمایند. اگر چیزی را حلال دانستی آنان حلال میدانند و  
اگر حرام دانستی حرامش خواهند با اینکه تو حق اینکار را نداری.  
ای زهری! نبودن دانشمندان در باری دیگر و چیره گشتن جهالت و  
نادانی بر تو و میل و رغبت ستمگران با آنچه که توداری و علاقه بی‌پایان تو و آنان  
بریاست و مال دنیا آنان را بگردتو جمع کرد.

آیا نمی‌بینی که چقدر در زرفنای خودبینی و غرور افتادی و ملت را بقتنه و  
آشوب گرفتار کردی؟ تو با اینکار توده را از کسب و کار بازداشتی و دل‌های  
آنان را بسوی خویش کشانیدی و آنان را بطمع انداختی که همچون تو بپایه علم و

دانش تورا سیده و در سایه آن بجاه و مقامی که توداری نائل کردند .

**ملت بیچاره بدست تودر گرداب بی پایان بدبختی و بلا غوطه ور شد .**

باز هم خدا برای ما و تودا و خوبی است و او یار ماست .

ای زهری ! بیا و از این راهی که رفته‌ای بازگرد ، و از آنچه که در آن هستی روی بگردان تا بکاروان پاکان و نیکان ببیونی .

**یا کافرانیکه در جامه‌های ژنده و پاره باشکمهای گرسنه و بیشت چسبیده ، با سیمائی درخشان و آسمانی سرد در تیره خاک فرو بردند .**  
 پردتاریک حیوانیت از جلوی چشمانشان بکنار رفت و حقایق را آنچنانکه باید ، دیدند . دنیا و آنچه در او بود آنانرا فریب نداد و آنان هم فریب او را نخوردند . . . . .

راستی اگر بنا باشد که تو با این پایه علم و دانش ، با این پیری و سالخورد .  
 گیت و با این نزدیکی مرگت اینچنین خود را در برابر مادیات و ثروت دنیا کم کنی پس تکلیف جوان نورس چیست ؟ جوان نادان و سرمست ؛ جوانی که عقلش هنوز بجائی نمی‌رسد ؟ انا لله وانا الیه راجعون .

بکه رو آوریم ؟ و بکدام آستانه پناه بریم ؟

تنها پروردگار بزرگ از گرفتاریها شکوه کرده و نزد او مصیبت‌هایی که تو بما وارد آوردی بدآوری خواهیم رفت .

ای زهری ! خوب چشمانت را بساز کن و بنگر که با نعمتهای پروردگار بزرگ چگونه رفتار کردی پروردگاریکه ترا بواسطه دینش در میان ملت

**آبروداد**

**لباسی در تنت نمود که بوسیله آن عیبهای ترا در میان اجتماع پوشیده نگه داشت ( آیا تو از لباست سوء استفاده نکردی ؟ )**

تو بجای تقرب و فروتنی در برابر پروردگار در پیشگاه . نمگران سر فرود آوردی .

**راستی چرا از این خواب زدگی و خممار آلودگی بیدار نمیشوی ؟**



چرا از لغزشهای خود تکانی بخود نداده و بخود نمیآئی تا در پیشگاه پروردگارت زبان بیبوش گشوده و بگوئی :

بارالها من هیچ گامی را برای زنده کردن دینت و هیچ قدمی را بمنظور از بین بردن باطلی بر نداشتم و خود این اعتراف بگوتاهی و تقصیر سپاسگزاری و شکر در راه پروردگارت شمرده میشود باز هم چقدر می ترسیم که تو هم آنچنان باشی که خدا فرمود :

« نماز را زیر پا گذارند و دنبال خواهشهای دل رفتند . در همین زودی سر-گشته و پشیمان خواهند شد » (۱)

پروردگار ترا عهده دار بیان کتاب آسمانی خویش کرده دانش و علم آن را با امانت ب تو سپرد ولی تو قدر آنرا ندانستی و از بین بردی .

بهر حال خدا را سپاس گراری می کنیم که ما را از آنچه که گریبانگیر تو است نجات داد و السلام » (۲)

(۱) اضعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غياً سورة مريم آیه ۵۹

(۲) تحف العقول ص ۲۷۴

## مردانگی؟

« از علی علیه السلام پرسیدند ، مرد و مردانگی چیست ؟  
فرمود : لا تفعل شیئاً فی السر تستحیی منه فی العلانیة  
در پنهان کاری را بجای نیابوری که در آشکار از آن شرم  
میداری . »

سفینة البحار - ج ۲